

هُرْمُزْدَ یَشْت

آوانویسی متن کامل اوستایی، برگردان به زبان فارسی، واژه‌نامه‌ها

سپهر (۱۶۴۵) و سوسودم



تألیف و پژوهش
دکتر منیژه مشیری

هُرْمُزْدِ يَشْت

تقدیم به:

همسرم: مهندس ابراهیم جمالی

و

پسرانم: رایکا، بردیا، آرسیا

فهرست مطالب

۱۱		کوتاه نوشت ها
۱۱		فارسی
۱۲		لاتین - نشانه های دستوری
۱۲		اسامی خاص
۱۳		پیشگفتار
۱۵		مقدمه
۱۵		اهورامزدا، خدای یکتای ایران باستان
۱۵		نام خدای یکتای زردشت و ریشه و معنی آن
۱۶		نام اهورامزدا در گذر زمان
۱۶		بررسی نام اهورامزدا در گات ها
۱۷		نام اهورامزدا در یشت ها
۱۷		نام اهورامزدا در کتیبه های هخامنشی
۱۷		توصیف اهورامزدا در گات ها
۱۸		باورهای اقوام آریایی
۱۸		دعوت به یکتاپرستی در گات ها
۱۹		تعالیم مربوط به زندگی این جهان
۱۹		خوار نشمردن این جهان
۱۹		منع قربانی و مسکرات
۲۰		اهریمن در مقابل سپند میتو
۲۰		راستی بالاترین ارزش ها

۲۰	 سلاح پروان آئین مزدپرستی
۲۰	 رستاخیز در این آئین
۲۱	 اختیار در گات‌ها
۲۱	 نبود فره‌وشی‌ها در گات‌ها
۲۲	 اهورامزدا در کتیبه‌های هخامنشی
۲۲	 اهورامزدا در ادبیات پهلوی
۲۳	 بررسی اهورامزدا پس از انقراض ساسانیان
۲۳	 آیا اهورامزدا نقش و تصویری دارد؟
۲۴	 نام اهورامزدا به عنوان اسم خاص
۲۴	 اهورامزدا در متون مانوی
۲۵	 اهورامزدا و یونانیان
۲۵	 اهورامزدا و ارمنستان قدیم
۲۷	 بررسی نیایش اهورامزدا یا هَرْمَزْد یشت
۲۷	 یشت چیست؟
۲۷	 معنی یشت و مضامین یشت‌ها
۲۸	 زمان نوشتن یشت‌ها
۲۸	 تعداد یشت‌ها
۲۹	 آغاز و پایان مشترک یشت‌ها
۳۰	 بخش‌های مشترک متن هرمزد یشت با سایر قسمت‌های اوستا
۳۰	 اهمیت هرمزد یشت
۳۱	 آوانویسی متن اوستایی هرمزد یشت
۳۷	 ترجمه فارسی متن هَرْمَزْد یشت
۴۹	 ترجمه‌های دیگر از هرمزد یشت
۴۹	 سایر ترجمه‌ها
۵۱	 ترجمه‌های مورد ارجاع برای ترجمه هرمزد یشت این کتاب
۵۱	 نکاتی پیرامون این ترجمه
۵۲	 مطالبی در مورد نکات دستوری این ترجمه
۵۳	 وجوه افعال در این ترجمه
۵۳	 تفسیر هرمزد یشت و بررسی تعداد بندهای آن

تعداد بندها بر حسب نسخ مختلف.....	۵۶
قدیم‌ترین ترجمه فارسی موجود از هرمزد یشت.....	۵۷
واژه‌نامه‌ها.....	۶۵
نکاتی چند پیرامون واژه‌نامه‌ها.....	۶۵
واژه‌نامه فارسی.....	۶۹
واژه‌نامه پازند.....	۹۳
واژه‌نامه اوستایی.....	۹۵
نمایه.....	۱۷۳
کتابنامه.....	۱۷۷
Abstract.....	۱۸۶

کوتاه‌نوشت‌ها

فارسی:

- پ.: معادل پهلوی واژه به‌طور عام
- پا.: پانویس
- تپ.: ترجمه پهلوی واژه برای متن هرمز دشت
- تف.: تفسیر پهلوی
- ج.: جلد
- ص.: صفحه
- فن.: فارسی نو
- نک.: نگاه کنید به
- ید.: یادداشت
- o: این علامت دو کاربرد دارد:
۱. در ترجمه فارسی هرمز دشت و واژه‌نامه پازند، در سمت چپ واژه، نشان می‌دهد که معنی آن واژه در واژه‌نامه فارسی آمده است.
 ۲. در واژه‌نامه اوستایی جانشین اصل واژه صرف نشده است.
- + : صورت واژه اوستایی نادرست می‌نماید.
- † : در متن اوستایی، یعنی به توضیحات مربوط به واژه در اوستای گلدنر مراجعه شود.
- XX و * : این دو علامت در واژه‌نامه اوستایی یعنی به توضیحات مربوط به آن در قسمت «نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها» در فرهنگ لغات بارتلمه مراجعه شود.
- [] : این علامت دو کاربرد دارد:
۱. در متن اوستایی یعنی متن براساس اوستای گلدنر تکمیل شده و قسمت تکمیلی در داخل این علامت آمده است.

۲. در واژه‌نامه اوستایی، در داخل این نشانه‌ها، تفسیر پهلوی آمده است.

() در ترجمه فارسی یعنی واژه‌های داخل این علامت در متن اصلی نیست و از طرف مؤلف اضافه شده است.

لاتین:

نشانه‌های دستوری

A.	Accusative
Abl.	Ablative
Aor.	Aorist
D.	Dative
G.	Genitive
I.	Instrumental
L.	Locative
N.	1. Nominative: (در مقابل واژه‌ها در واژه‌نامه اوستایی)
	2. Note: (در سایر موارد)
Part. Fut. Pass.	Participle Future Passive
PPfA.	Participle Perfect Active
V.	Vocative

اسامی خاص

Air Wb.	1. Bartholomae, Chr., <i>Altiranisches Wörterbuch</i> , 2. unveränderte Auflage, Berlin, 1961.
Dst. ZA.	Darmesteter, J., <i>Le Zend-Avesta</i> I, II, III, Paris, 1892/93.
Jack.	Jackson, A. V. W., <i>An Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit</i> , Part I, Stuttgart, 1892.
Justi NB.	Justi, F., <i>Iranisches Namenbuch</i> , Hildesheim, 1963.
Loml. Yts. Aw.	Lommel, H., <i>Die Yāst's des Avesta</i> , Göttingen-Leipzig, 1927.
Reichelt, Aw El.	Reichelt, Hans, <i>Awestisches Elementarbuch</i> , Heidelberg, 1909.
Zand-i-Kh.	Dhabhar, B.N., <i>Translation of Zand-i Khurtak Avistāk</i> , Bombay, 1963.

پیشگفتار

برای بشر، کشف ناشناخته‌ها و پی‌بردن به مجهولات و رمزگشایی از اسرار جهان هستی، جذاب بوده است. یکی از این ناشناخته‌ها تمدن‌های کهن بشری هستند که یا به کلی از بین رفته‌اند و یا تحت تأثیر عواملی تغییراتی در آنها روی داده ولی بقا پیدا کرده‌اند. یکی از این موارد، تمدن اقوام ساکن فلات ایران است، که قدمت آن به دوران بسیار کهن قبل از تاریخ می‌رسد.

این کتاب به بررسی یک جنبه از جاذبه‌های این تمدن کهن، که مربوط به باورهای مردم باستان در بارهٔ ویژگی‌های خالق یکتا، یعنی اهورا مزدا است، می‌پردازد. این باورها در بخشی از اوستا، به نام «هرمزد یشت» گردآوری شده‌اند. می‌توان «هرمزد یشت» را که در آن نام‌ها و صفاتی برای پروردگار یکتا برشمرده می‌شوند، نیایش خالق یکتا به حساب آورد.

زبان‌شناسان، متون اوستایی را از نظر زبان به دو دستهٔ قدیم و جدیدتر تقسیم می‌کنند. متون اوستایی قدیم، شامل «گات‌ها» می‌باشند که آنها را سرودهٔ زردشت می‌دانند. در متون اوستایی متأخر بخشی به نام «یشت‌ها» وجود دارد. یشت به معنای ستایش و نیایش است. یشت‌ها از تعالیم زردشت نیستند. در بخش یشت‌ها برای هر ایزد دوران باستان یک نیایش یا یشت وجود داشته است. یشت‌های مربوط به تمام ایزدان آن دوران، امروز در دست نیست. یشت‌های موجود به خط و زبان اوستایی فقط ۲۱ عدد است. هرمزد یشت اولین آنها است.

نگارنده برای بررسی هرمزد یشت، ابتدا متن را از روی اوستای «گلندرن» به‌طور کامل آوانویسی و سپس با توجه به ترجمه‌ها و نظریات متفاوت ایران‌شناسان داخلی و خارجی به فارسی برگردان کرده است.

در این بررسی، واژه‌نامه‌های اوستایی، فارسی و پازند، بعد از برگردان متن به فارسی، آمده‌اند. واژه‌نامهٔ اوستایی به‌طور عمده بر مبنای فرهنگ لغات اوستایی «بارتلمه»، ایران‌شناس آلمانی و با استناد به آن تهیه شده است. اگر خواننده نیاز به اطلاعات بیشتری دربارهٔ واژه‌ای داشته باشد، برای

سهولت و سرعت دسترسی، زیر هر واژه اوستایی، شماره صفحه فرهنگ بارتلمه نوشته شده است. واژه‌نامه فارسی شامل واژه‌هایی است که امروزه یا بار فرهنگی سابق را ندارند و یا دیگر رایج نیستند و در نتیجه معنای جمله را برای خواننده نامفهوم می‌کنند. برای توضیح این نوع واژه‌های فارسی، از واژه‌نامه‌های معتبر قدیم و جدید زبان فارسی استفاده شده است. چون متن «پازند» نیز در این یشت وجود دارد، واژه‌نامه پازند نیز در بخش دیگری به طور جداگانه آمده است.

نگارنده در تألیف این کتاب همواره خود را مدیون اساتید ارجمندی می‌داند که در طی دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در دوره دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی از محضرشان کسب علم کرده و از تخصص‌شان بهره‌مند شده است. به طور ویژه نگارنده قدردان اساتید بزرگوار سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار، خانم دکتر بدرالزمان قریب، خانم دکتر معصومه قریب، جناب آقایان دکتر محسن ابوالقاسمی، دکتر مهرداد بهار، دکتر احمد تفضلی، دکتر یدالله ثمره، دکتر جمال رضایی، دکتر داریوش شایگان، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر بهرام فره‌وشی و دکتر هرمز میلانیان می‌باشد. از این اساتید گرانقدر آنان که در قید حیات هستند، سایه‌شان بر سر فرهنگ این مرز و بوم پر دوام باد و آنان که به رحمت ایزدی پیوسته‌اند، روح‌شان قرین رحمت الهی.

نگارنده از آثار دانشمند و ایران‌شناس بزرگ مرحوم استاد پورداد، به عنوان مرجعی معتبر، در جای جای این کتاب استفاده کرده است. روح‌شان شاد.

هم‌چنین نگارنده از آقای مسعود فیروزخانی مدیر محترم موسسه علم روز که با علاقه‌مندی، دقت، صبر و صرف وقت فراوان برای حروفچینی اوستایی و پهلوی و صفحه‌آرایی این کتاب زحمت بسیار کشیده‌اند، کمال تشکر را دارد.

دکتر منیژه مشیری

تابستان ۱۳۹۷

مقدمه

اهورامزدا، خدای یکتای ایران باستان

بنابه نظر شرق‌شناسان، در روزگاری کهن ایرانیان و هندی‌ها در یکجا سکونت و باورهای یکسان داشته‌اند (شایگان، ج ۱، ص ۳۰)؛ اما پس از جدایی و ساکن شدن هریک در سرزمینی جدید، رفته‌رفته اعتقادات آنان از هم فاصله گرفته است (همان، ص ۵۰). در متون سانسکریت ایزدان هندی به دو دسته «دِئَو»ها (dēva) و «آسَوَر»ها (asura) تقسیم می‌شدند و هریک از اینها موکل بر امری بودند. معادل این ایزدان در متون اوستایی «دَئِو»ها (daēva) و «آهور»ها (ahura) بودند (دوشن گیمن، ص ۳۹). اسورها در اساطیر هندی نقشی منفی بر عهده داشتند، ولی نقش آهورها در ایران مثبت بود (همان، ص ۱۶۹).

زردشت نام خدای یکتای خود را از میان خدایانی ابداع یا کشف کرد که قبل از او ایرانیان و هندی‌ها، هنگامی که در کنار هم زندگی می‌کردند، به آنها اعتقاد داشتند. وی همه خدایان کهن هند و ایرانی را که در حقیقت خدایان کهن آریایی بودند، کنار زد و ایزدانی را که در گروه دیوها قرار داشتند، به درجه اهریمن تنزل داد. او از میان بقیه خدایان چند خدا را انتخاب و تنزیل درجه داد و به عنوان دستیار خدای یکتا در امور مینوی و دنیایی به مردم معرفی کرد.

نام خدای یکتای زردشت و ریشه و معنی آن

بنابر یک نظریه، زردشت برای خدای یگانه خود نام «آهور»، به معنی «سَرور»، را انتخاب کرد و به وی صفت «مَزدا» به معنی دانا و خردمند را داد و به این طریق مطلق العنان بودن او را توصیف کرد (همان، ص ۹۷). از این روست که یکی از نام‌هایی که زردشتیان خود را به آن می‌خوانند «مَزْدَیَسَن» (mazdayasn) به معنی «مزدپرست» می‌باشد. بسیاری از پژوهندگان معتقدند که اگر این نام خاص خدایشان نبود، زردشتیان آن را بر نمی‌گزیدند.

بنابر این نظریه «آهور» در اوستا و «آسور» در وداها هر دو از ریشه «آسو» که به معنی مولا و سرور است، می‌باشند. در نزد هندوان آسور اغلب برای پروردگاران بزرگ به کار رفته است. در اوستا هم واژه آهور به معنی بزرگ و سرور است.

مزدا در اوستا به معنی «حافظه» از فعل به خاطر سپردن و به یاد داشتن است. این واژه در سانسکریت Mēdhas و به معنی دانش و هوش است، پس اهورامزدا به معنی «سرور دانا» می‌باشد. نظریه دیگری این معنی را رد می‌کند. بنابر این نظریه مزدا ارتباطی با «دانا» و «هوشیار» و «فرزانه» و به طور کلی موارد «حکمت» ندارد. این گروه به ترکیب‌هایی مانند «زرزدا»، «هودا» و امثال آن استناد می‌کنند. بنابر باور آنها در این واژه‌ها هجای دوم به معنی «دهنده» و «بخشنده» است و مزدا باید به معنی «بخشنده یا دهنده نیرو و بزرگی» باشد. به نظر آنها معنی سرور بخشنده نیرو و بزرگی در دوران زردشت و برای «ویشتاسپ» حامی او می‌تواند قابل درک باشد، ولی سرور فرزانه و خردمند مفهومی است که یک فیلسوف می‌تواند درک کند نه یک فرمانروای پیش از تاریخ.

نام اهورامزدا در گذر زمان

در متون قدیم‌تر اوستایی، در سروده‌هایی که به زردشت منسوب است و گات‌ها نامیده می‌شوند، نام خدای یکتا آهور می‌باشد و صفت «مَزَد» گاهی قبل و زمانی بعد از آن می‌آید. بعدها، به مرور زمان، این دو واژه در متون متأخر اوستایی به صورت اهورامزدا درآمدند. در زبان فارسی باستان، در کتیبه‌های هخامنشی این نام به صورت آ(ه)وَرَمَزدا (A(h)uramazdā) و در فارسی میانه به صورت اهرَمَزَد (Ohrmazd) در می‌آید. در فارسی امروز این واژه را به صورت هُرَمَزَد، هُرمَزَد، اورَمَزَد، هورمَزَد، هُرمَزَد می‌بینیم. از ترکیب خود واژه قدمت و فرسودگی سفر چندین هزار ساله‌اش پیداست. قرن‌ها لازم بوده تا دو واژه اوستایی «آهور» و «مَزَد» که در گات‌ها به صورت جدا از هم به کار می‌رفته‌اند، ترکیب و به یک واژه تبدیل شوند و در کتیبه‌های هخامنشی به صورت اَوَرَمَزدا درآیند.

البته بعضی از صاحب‌نظران، از جمله نیبرگ، بر این باورند که اقوام باستانی به خدایی بزرگ اعتقاد داشته‌اند. «زروان» از قدیم‌ترین ایام، بخصوص در غرب ایران یک چنین خدایی بوده است و ایزدی به نام اهورامزدا، حتی پیش از زردشت، در شرق ایران و در میان خدایان کهن آریایی وجود داشته است (دوشن گیمن، ص ۵۶). بنابر نظر کریستن‌سن (۱۳۴۳، ص ۵۱)، مزداپرستی قبل از زردشت وجود داشته و وی با انجام اصلاحاتی آن را دوباره عرضه کرده است. این نظریه با نگاهی به جدا بودن دو واژه «اهورا» و «مزدا» در متون گات‌ها مورد تردید قرار می‌گیرد.

بررسی نام اهورامزدا در گات‌ها

همان‌گونه که در پیش گفته شد در گات‌ها که قدیم‌ترین قسمت اوستا و به خود زردشت

منسوب است، هنوز این دو واژه وضع ثابت و معینی به خود نگرفته و به صورت یک واژه واحد یعنی «اهورامزدا» در نیامده‌اند. ترتیب این دو واژه نیز همیشه یکسان نیست. در پاره‌ای از قسمت‌های این متون واژه «اهورا» و در بعضی قسمت‌ها «مزدا» به صورت تنها و به ندرت به صورت مزدا اهورا به کار رفته است. حتی گاه‌گاهی این دو واژه از هم جدا شده و به فاصله چند واژه از یکدیگر می‌آیند. برای مثال در یسنا ۲۸ قطعه اول (پورداد ۱۳۸۴، ص ۱۳۱) برای خدا، تنها واژه مزدا آمده است. در قطعه هشتم همین یسنا اهورا تنها استفاده شده است. در قطعه پنجم، نخست اهورا و پس از فاصله چندین واژه دیگر مزدا آمده است. در قطعه ششم برعکس، اول مزدا و پس از فاصله چندین جمله اهورا دیده می‌شود. در قطعه دوم همین یسنا، مزدا اهورا استفاده شده است. در سراسر گات‌ها این وضع ادامه دارد و هرگاه این دو واژه با هم آمده‌اند مزدا مقدم به اهورا می‌باشد، برای مثال در قطعه یازده یسنا ۲۸ زردشت می‌گوید «تو ای مزدا اهورا مرا از خرد خویش تعلیم ده و از زبان خویش آگاه ساز که روز واپسین چگونه خواهد بود؟»

دلیل این مسئله می‌تواند این باشد که در ایران قبل از زردشت، ایزدی به نام اهورامزدا مورد پرستش نبوده است تا نامش الگویی برای زردشت باشد.

نام اهورامزدا در یشت‌ها

برعکس گات‌ها، در سایر قسمت‌های اوستا همیشه این دو واژه با هم و اهورا مقدم بر مزدا آمده است، مگر به طور استثنا و به تقلید از گات‌ها این ترتیب به هم خورده باشد. بند ۱۴۶ فروردین یشت اینگونه است.

نام اهورامزدا در کتیبه‌های هخامنشی

در کلیه خطوط میخی پادشاهان هخامنشی همیشه اهورا مقدم بر مزدا و پیوسته به آن است. فقط در کتیبه خشایارشا در فارس اهورا جدا از مزدا است.

توصیف اهورامزدا در گات‌ها

در گات‌ها چنین آمده که خدای بزرگ اهورامزداست که جهان مینوی و جهان مادی را آفرید. او مقدس و پرهیزگار است. پلیدی بر او راه نتواند یافت. او یگانه خدای جهان خویش است و در آن زیست می‌کند (پورداد ۱۳۸۴، صص ۲۷۳-۱۳۷). اهورامزدا آفرینش خود را به دست سپندمینو انجام می‌دهد. سپندمینو نخستین و برترین جلوه اوست.

سپندمینو و دو جلوه دیگر اهورامزدا یعنی بهمن و اردیبهشت، با گوهر و ذات او یکی هستند و اهورامزدا پدر و آفریننده ایشان است. خرداد و Амرداد نیز با ذات او یکی هستند. اهورامزدا این دورا

به نیکوکاران و پرهیزگاران به پاداش نیکی و پرهیزشان می‌بخشد.

هستی، میان دو نیرو، اَش (راستی) و دروغ تقسیم شده است. اَش آفریده اهورامزداست؛ اما زردشت در باره منشأ دروغ چیزی نمی‌گوید.

باورهای اقوام آریایی

در دوران‌های بسیار کهن، خیلی پیشتر از زمان زردشت و تعالیم او، برای اقوام آریایی تصور اینکه یک خدا تمام این جهان را آفریده باشد، ممکن نبود. آنها برایشان باورکردنی نبود که یک خدا بتواند از عهده آفرینش آسمان و زمین و خورشید و کوه‌ها و دریاها و گیاهان و نوع بشر و مانند آن برآید. اقوام آریایی هر آنچه را که مانند آب و آتش و خورشید و ماه که برایشان سودمند و با شکوه بود، خدا می‌دانستند و شکرانه نعمت آنان را به‌جا می‌آوردند. قوایی از طبیعت مانند رعد و برق را که باعث بیم و هراس‌شان می‌شدند و به آنها آسیب و گزند می‌رساندند، نیز پروردگاران غضب‌آلوده می‌پنداشتند و برای فرونشاندن قهر و خشم آنان التماس و زاری و برایشان قربانی می‌کردند. در چنین جمعی با چنین پیشینه اعتقادی زردشت مردم را به پرستش خدای یکتا دعوت و تعالیم خود را به آنها عرضه کرد.

دعوت به یکتاپرستی در گات‌ها

تعالیم اهورامزدا در گات‌ها متبلور شده است. پس برای آگاهی از این تعالیم مراجعه به متون گات‌ها معتبرترین است؛ زیرا گات‌ها بخشی از متون اوستایی می‌باشد که سرودن آنها را به خود پیامبر ایران باستان نسبت می‌دهند.

بنا بر متون گات‌ها زردشت به پیروان خود گفت همه این چیزهای زمینی و آسمانی را یک خدا آفریده و فقط او را باید نیایش کرد. قربانی و زاری تغییری در قوای هراسناک طبیعت ایجاد نمی‌کند. نسبت به نیک، نیکی به‌جا آر و چنان کن که بدی در جهان نابود گردد و سراسر جهان را خوبی فرا گیرد. فقط آن کسی را ستایش کن که اهورامزدا نام دارد (یسنا ۴۵، بند ده). کسی که ضد دروغ‌پرست با زبان و فکر و دست ستیزه کند خشنودی اهورامزدا را به‌جا می‌آورد (یسنا ۳۳، بند دو). این نوع تفکر برای مردم آن زمان عجیب بود. در یسنا ۲۸، بند سه زردشت می‌گوید که ستایش و نیایش او نواست و قبل از او کسی چنین نسروده است.

در اوستای متأخر، در متون یشت‌ها، نیایش ایزدان متعدد آمده است. همان‌گونه که در پیش گفته شد، پاره‌ای از این باورها مربوط به قبل از زمان زردشت می‌باشد. به عبارت دیگر در بخش‌هایی از اوستای متأخر باورهای کهن دوباره زنده شده‌اند.

این آئین بر مبنای یکتاپرستی استوار است. خدای یگانه این آئین، اهورامزدا، نماد مادی و جسمانی ندارد. بهمین سبب است که قبله نماز مزدیستان جهت خاص و فیزیکی ندارد. او نور

مطلق است. از این رو قبله مزدیسنان نور خورشید، نور ماه، نور چراغ، نور آتش و امثال این نورها می باشد (ولی و سایرین، ج ۳، ص ۱۶۱).

مزدیسنان آتش پرست نبوده اند، چنان که حکیم فردوسی گوید:

نگویی که آتش پرستان بدند پرستنده پاک یزدان بدند

امکان دارد در دوران های بسیار دور، یعنی زمان رواج طبیعت پرستی، هنگامی که هنوز بشر پی به روشن کردن آتش نبرده بود، آتشکده ها را برای حفظ و نگهداری آتش می ساختند و آتش آن را مانند سایر قوای طبیعت پرستاری و ستایش می کردند.

در نزد مزدیسنان هدف از برپایی آتشکده مکانی برای نگهداری نماد خداوند یکتا و عبادت در حضور نور ایزدی بوده است. همچنین آتشکده در مانگاه، آموزشگاه، کتابخانه، دادگاه و برای مؤبدان محل دادرسی بوده است. به علاوه در آتشکده کودکان دروس دینی می آموخته اند.

در یشت هفتم اوستا چنین آمده است که «ای خدای هستی بخش دانای بی همتا که بخشاینده همه چیز و از دیده ظاهرین ما ناپیدیدی، این آتش را که در برابر گذاشته ایم نور آفرینش تو می دانیم و آن را به منزله قبله می شناسیم و به وسیله این نور که ذره ای از ذرات انوار تو است، خواستاریم که خود را به نور حقیقت تورسانیم» (همان).

تعالیم مربوط به زندگی این جهان

تعالیم گات ها مربوط به زندگی است و پیرامون چیزهای خارق العاده نمی گردد. زردشت می گوید: «اهورامزدا مرا برای راهنمایی در این جهان برانگیخت و من برای رسالت خویش از منش پاک تعلیم یافتم» (پورداود، ۱۳۸۴، ص ۷۱).

خوار نشمردن این جهان

در این آئین درویشی و ترک دنیا جایی ندارد. شخص نباید به زندگی این دنیا بی اعتنا باشد و پشت کند. پاداش ایزدی در این جهان و آن جهان فقط در مقابل ستایش و نماز و دعا نیست. باید کار کرد و در آبادانی خود و دیگران کوشید و بالاتر از همه اینها باید اندیشه نیک داشت؛ چون اندیشه نیک سرچشمه همه خوبی های دنیاست.

همچنین در گات ها مردم از بیابانگردی، کوچ نشینی، غارت و دستبرد به اموال قبایل دیگر منع و به یکجانشینی، کشت و زرع و پرورش دام تشویق شده اند.

منع قربانی و مسکرات

تعالیم گات ها بر منع قربانی و فدیة است. در این باره در یسنا ۳۲ بند دوازده و چهارده چنین می آید: «ای مزدا نفرین تو باد به کسانی که با فریاد شادمانی گاو قربانی می کنند».

در این آئین استعمال مسکرات در مراسم دینی منع شده است. در یسنا ۴۸ بند ده می‌گوید: «کی ای مزدا شرفاء به رسالت نیک پی خواهند برد کی این آشام سکر آورنده چرکین را خواهی برانداخت چیزی که از آن «کَژپَن‌های» زشت‌کردار و شهریاران بدکنش به عمد ممالک را می‌فریند.»

اهریمن در مقابل سپندمینو

در گات‌ها، خدای یگانه اهورامزدا است که آفریننده همه جهان مادی و مینوی و خوبی‌ها و نیکی‌هاست. در مقابل او نیروی شری وجود ندارد. آن‌گَرَه مَئینو (angra mainyo) یا خرد خبیث که به مرور زمان تبدیل به واژه اهریمن شده و زشتی‌های جهانی همه از اوست، در مقابل سپنت مَئینو (spenta mainyo) یا خرد مقدس قرار دارد. جهان مادی آمیخته‌ای از خوبی و بدی، سیاهی و سپیدی، و تاریکی در مقابل روشنایی است. از خداوند جز نیکی و خوبی و رحمت چیزی سر نزنند و همه پلیدی‌ها از اهریمن است.

راستی بالاترین ارزش‌ها

انسان در این دنیا وظیفه‌اش این است که با دروغ و بدی نبرد کند تا راستی و خوبی پیروز شود. در یسنا ۳۰، بند هشت می‌گوید: «کشور جاودانی (بهشت) از آن کسی خواهد بود که در زندگانی خویش با دروغ بجنگد و آن را در بند نموده به‌دست راستی بسپارد. در یسنا ۳۱ بند هیجده چنین آمده است: «هیچ‌یک از شما نباید که به سخنان و حکم دروغ‌پرست گوش دهد زیرا که او خان‌ومان و شهر و ده را دچار احتیاج و فساد سازد پس با سلاح او را از خودتان برانید.»

سلاح پیروان آئین مزدا پرستی

اساس این آئین پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک است. این سه رکن مانند سپری در میدان نبرد با دروغ است و انسان نباید این سلاح را تا ابد بر زمین بگذارد. همه باید در دنیا بکوشند تا سپاه دروغ را شکست دهند. مردم باید به میل خود راه درست را انتخاب کنند و در این راه اجباری وجود ندارد. در یسنا ۳۰، بند دو چنین آمده است: «گوش فرا دهید به سخنان مهین با اندیشه روشن به آن بنگرید میان این دو آئین (راستی و دروغ) خود تمیز دهید هرکسی به شخصه دین خود اختیار کند. بشود که در سرانجام کامروا گردیم» (پورداود، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

رستاخیز در این آئین

در رستاخیز که اعمال انسان را می‌سنجند، داور دادگاه اهورامزدا زردشت است. همه از پلی به نام «چینوت» می‌گذرند که در زیر آن رودی از فلز گذاخته است. پیروان راستی با آسودگی از آن می‌گذرند و

به خانه راستی، بارگاه اهورامزدا می‌روند و پیروان دروغ به رود فلز گذاخته یعنی خانه دروغ سرنگون می‌شوند و آنان که در راست و دروغ مساوی باشند، به سرای آمیخته یعنی در برزخ قرار می‌گیرند.

اختیار در گات‌ها

آفریدگان اهورامزدا آزاد آفریده شده‌اند. آنها آزادند میان آس و دروغ یکی را برگزینند. این گزینش را تنها مردمان انجام نمی‌دهند، بلکه مینوان و مردمان همه در این گزینش شرکت دارند. حتی اهریمن یا انگرَمینو، که همزاد سپندمینو است، آزادانه دروغ را برمی‌گزیند تا بدکرداری آغاز کند. همچنین دیوان نیز دروغ را بر می‌گزیند. خدایان کهن نیز چنین می‌کنند. از این روی است که زردشت فقط به وجود اهورا مزدا، یعنی خدای یکتا اعتقاد دارد.

از آنجا که مردم در گزینش خویش آزادند، سرنوشت خود را خود می‌سازند. اگر نیکی ورزند، بی‌مرگی و فراخی را چون پاداشی جاودانه می‌یابند. پادافراه (کیفر) بدکرداران نیز به‌خاطر زشتی کردار این است که جاودانه به دوزخ می‌افتند که بدترین زندگی است. نماد و مظهر آس آتش است و آتشگاه جای برخواندن و ستودن اهورامزداست. در پایان جهان نیز با گذر از آتش است که کردار مردمان را به رستاخیز می‌سنجند و داوری می‌کنند.

نبود فره‌وشی‌ها در گات‌ها

در اوستای متأخر از فره‌ور یا فره‌وشی‌ها و اعتقاد به آنها سخن به میان آمده است. براساس این باور خداوند قبل از آفرینش جهان مادی تمام موجودات را به‌صورت مینوی آفریده است. هر موجودی با فره‌ور خود به دنیای مادی می‌آید. فره‌ورها در این جهان آلوده نمی‌شوند و حتی انسان بدکردار نیز فره‌ورش پس از مرگ پاک و نیالوده به عالم مینو برمی‌گردد. فره‌ور درگذشتگان در زمان‌هایی دوباره به زمین برمی‌گردند و به نزدیکان خود سرمی‌زنند. در اوستای متأخر، فروردین یشت درباره این باور می‌باشد.

بنابر نظر مری بویس (ص ۱۹۱) ایران‌شناس معاصر بریتانیایی، این اعتقاد جزو تعالیم مزدیسنان نیست، زیرا در گات‌ها ذکری از فره‌وشی‌ها نشده است. خانم بویس این اعتقاد را یادگاری به‌جامانده از دوران کهن نیاکان‌پرستی^۱ می‌داند. او بر این باور است که اعتقاد به فره‌وشی و ستایش روان در گذشتگان انحراف دینی از آموزه‌های زردشت است و این باور میراثی از دین کهن‌تر ایرانی است که به علت فشار افکار عمومی در آئین مزدیسنان ماندگار شده است (بویس، ص ۱۹۲).

در بسیاری از کشورهای مسیحی باورهای باستانی مربوط به بازگشت سالانه ارواح هنوز پابرجاست. برای مثال در ایرلند جشنواره ارواح برگزار می‌شود که چندان بی‌شباهت به آئین زردشتیان نیست و فقط رنگ و بوی مسیحی دارد (همان).

در آسیا، در کشورهایی مانند چین هنوز آئین نیاکان پرستی وجود دارد. در بعضی از کشورهای آسیای جنوب شرقی، در فضای باز منزل، محلی برای گذاشتن ظرف غذا برای روان درگذشتگان در نظر می گیرند.

اهورامزدا در کتیبه‌های هخامنشی

آنچه دربارهٔ عظمت اهورامزدا در گات‌ها گفته شده در کتیبه‌های داریوش نیز دیده می‌شود. با این تفاوت که در گات‌ها زردشت برای راهنمایی مردم برگزیده شده است، ولی در کتیبه‌ها، داریوش از طرف اهورامزدا برای شهرسازی جهان انتخاب شده است. داریوش گوید:

«بغ بزرگ است اهورامزدا، کسی که این زمین بیافرید، کسی که آن آسمان بیافرید، کسی که داریوش را پادشاه نمود، پادشاه (اقوام) بی‌شمار، فرماندهٔ ممالک بسیار» (شارپ، ص ۷۹).

در کتیبه‌های داریوش بزرگ تکرار عبارت‌هایی مانند: «أهورا مزدا مرا یاری کرد»، «بخواست اهورامزدا من شاه شدم»، «اهورامزدا شاهی را به من عطا فرمود»، «پس از آن من از اهورامزدا کمک خواستم» فراوان دیده می‌شود.

اهورامزدا در ادبیات پهلوی

در ادبیات پهلوی وضع اهورامزدا به تدریج دستخوش تحولاتی می‌شود. در گات‌ها که سروده‌های خود زردشت است، سپندمینو یکی از برترین جلوه‌های اوست. گوهر و ذات سپندمینو با اهورامزدا یکی و اهورامزدا او را آفریده است. وی که به معنی روح القدس یا مینوی مقدس و افزونی‌بخش است و در گات‌ها در مقابل اهریمن یا آنگزَمینو قرار دارد، در ادبیات اوستایی بعد از زردشت، اندک اندک صفتی برای اهورامزدا و با او برابر می‌شود. در ادبیات پهلوی تحول به جایی می‌رسد که در بسیاری موارد چون سخن از سپندمینو می‌آید، مقصود خود اهورامزدا است. به این ترتیب در ادبیات متأخر زردشتی خود اهورامزدا، به جای سپندمینو در مقابل اهریمن قرار می‌گیرد.

اهورامزدا دستیارانی دارد که با خود او در ادبیات پهلوی مجموعهٔ هفت امشاسپند یا مقدسان نامیرا یا جاودانی را تشکیل می‌دهند. در گات‌ها به واژهٔ «امشاسپند» برنمی‌خوریم. ولی نام همهٔ آنها به عنوان صفات اهورامزدا در گات‌ها می‌آید.

در کتاب بندهش که به زبان پهلوی است، دربارهٔ آفرینش جهان به وسیلهٔ اهورامزدا، چنین آمده است:

«او نخست امشاسپندان را آفرید... نخست بهمن را فراز آفرید که رواج یافتن آفریدگان هرمزد از او بود... پس اردیبهشت، پس شهریور، پس سپندارمذ، پس خرداد و آرمداد را آفرید، هفتم خود هرمزد بود» (فرنغ دادگی، ص ۳۷).